

نورمن بووآی - و - رابرت سیمون / تبسم آتشین جان

نافرمانی مدنی؛ تأملی در رابطه

قانون و نظم^{*}

چکیده

مؤلف در این نوشتار به وجهی از نظریه دولت می‌پردازد که در آن موضوع نحوه «برخورد با متخلفان» محور اصلی بحث را شکل می‌دهد. این واقعیت که سامان سیاسی نیازمند نهادهایی است که بر مبنای قمار قانون بنیان یافته‌اند، یا گروه‌هایی که سر به فرمان قانون نمی‌دهند، برخورد نماید، مسأله حساسی است که منجر به پیدایش گوناگون‌های متفاوتی از حکومتها شده است. در این میان، حکومت‌های دموکراتیک از آن‌جا که روش‌های مناسب‌تری را برای برخورد با متخلفان می‌گذارند، مورد توجه نویسندگان قرار گرفته‌اند. برای این منظور وی با مفروض پنداشتن ضرورت وجود قمار قانون و سامان سیاسی و کار اعمال آن به حق اعتراض شهروندی به مثابه یکی از اصول مهم حاکم بر روابط بین دولت و ملت است. این روش‌ها، که در این گونه از نافرمانی مدنی، مصداق قانون شکنی ندانسته است. در ورای این گونه از نافرمانی مدنی، آن‌ها، پرداخته است.

* این مقاله ترجمه‌ای است از:

Norman E. Bowie & Robert H. Simon, *The Individual & The Political Order*:
An Introduction to Social & Political Philosophy, U.S., & Brown &
Littlefield Publishers,
1998, pp. 188-200.

فهرست مطالب

160	مقدمه
161	الف- نافرمانی مدنی
164	ب- توجیه نافرمانی مدنی
168	ج- روش حل اختلاف
	د- نافرمانی مدنی پشتیبان
171	نهادهای دموکراتیک
175	نتیجه‌گیری

کلید واژه‌ها

حقوق

امنیت

نظم

ثبات

سیاست

مشروعیت

قانون

مقدمه

نظریه دولت دارای دو بخش عمده است؛ نخست این که قواعد بازی سیاسی چیستند؟
و دیگر _____ ر آن ک _____ ه،
در برخورد با متخلفان چگونه باید عمل نمود؟ بخش دوم کمتر بدان پرداخته شده و با توجه به
اهمیت _____ کی _____ ه دارد،
موضوع نوشتار حاضر خواهد بود.

دستگاههای قانونی دولت - از جمله پلیس و دادگاهها، مسؤول تشخیص این نکته‌اند
که _____ چه _____ زم _____ انی
نقض قانون صورت گرفته است و علاوه بر این، توقیف قانون شکن و اجرای اقداماتی برای
تش _____ و یق _____ انون ش _____ کنان
برای سر نهادن بر قوانین، به عهده همین دستگاه‌هاست. اخیراً نهادهای قانونی در ایالات متحده
بحث _____ ای زی _____ ادی
را برنگیخته‌اند. در این میان روشهای مناسب توقیف مجرمان و برخورد با آنها از جمله مسائلی
است _____ ت _____ به _____ یار،
توجه افکار عمومی را جلب کرده است. ایراد اتهام بی‌رحمی به پلیس، پدیده‌ای است که امروزه
مج _____ دداً _____ مط _____ رح
شده است. تردیدهای دیگری نیز در زمینه اعمالی همچون شنود تلفنی، فریفتن مجرمان بالقوه
ب _____ رای _____ به _____ دام
انداختن آنها و استفاده از خبرچینان پلیس، پدید آمده است. از این گذشته، شهروندانی که به
ای _____ ن _____ موض _____ وع
اهمیت می‌دهند، به مسأله بی‌عدالتی آشکار در مجازاتها نیز پرداخته‌اند. نتایج فجیع شورش
درز _____ دانها و نم _____ ایش

شرایط زندانها در رسانه‌ها، تردیدهایی جدی در مورد هدف و سازماندهی آنها به وجود آورده است.

برخی از روان‌شناسان و سایر دانشمندان علوم اجتماعی سر به مخالفت با مشروعیت موازین حقوقی
مجازات برداشته‌اند. دیگر دانشمندان علوم اجتماعی دست به تحقیقاتی زده‌اند که حاکی از
اختلاف نظر شرش دید
بین قضات در مورد محکومیت

مجرمان است و علاوه بر این، نشان می‌دهد که با اعضای نژادها و یا طبقات اجتماعی خاص
برخوردی _____
تبعیض‌آمیز می‌شود.

الف- نافرمانی مدنی

آیا شهروند، به ویژه شهروند کشوری دموکراتیک، حتی وقتی که قانونی را
ناعادلانه _____ می‌داند به _____ اطاعت
از آن مجبور است؟ یکی از مهم‌ترین پرسشهای اخلاقی که هر فردی احتمالاً با آن برخورد
می‌کند _____ دوده
اطاعت از قانونی است که هر فرد در قبال کشور ملزم به رعایت آن است. در نیمه اول قرن
بیستم _____ تم موضوع _____
نافرمانی مدنی موضوع اصلی فلسفه سیاسی بود.

1- شواهد تاریخی

در دهه 1950، آزمایشهای هسته‌ای ایالات متحده و سایر قدرتهای اتمی در
اتمسفر _____ فربرای تم _____ ام _____ ساکنان
زمین خطرناک قلمداد شد و بر ضد آن تظاهراتی صورت گرفت. برتراند راسل، فیلسوف
مشهور، یکی _____ از رهبران
اعتراض بر ضد این آزمایشها بود. در اوایل دهه 1960، ناعادلانه بودن بسیاری از قوانین ایالتی
حاکم _____ رواب _____ ط
بین نژادها، به ویژه بین سیاهان و سفیدپوستان، توجه افکار عمومی را جلب کرد. دکتر مارتین
لوتر کینگ _____ گ _____ و _____
رهبران سیاه با استفاده از فنونی همچون تحصن، در صدد ابطال قوانین مختلفی برآمدند که
موجب _____ ب _____ ج _____ دایی نژادها _____

بود. مبارزهٔ سیاهان برای اعمال برابری با همدلی اغلب آمریکاییها مواجه شد. این موضوع به
ویژه _____
که در اخبار تلویزیون تصاویری از اقدامات پلیس به نمایش درآمد که در آنها پلیس با پاشیدن
آب، کتک زدن _____
وشیوه‌های دیگر، با مردان، زنان و کودکان بی‌دفاع سیاه و سفید بدرفتاری می‌کرد. بادرگیری
عمل _____ ای _____الات
متحد در جنگ ویتنام، نافرمانیهای مدنی بر ضد جنگ متمرکز شد. در واقع، در مورد اخلاقی
بودن شرکت _____
ایالات متحده در این جنگ تردیدی عمیق وجود داشت و مخالفتها به حدی گسترده بود که
رییس جمهور _____
ایالات متحده از شرکت مجدد در انتخابات ریاست جمهوری سرباز زد و ایالات متحده ناچار
شد _____
تلخی از ویتنام بیرون رود. چند سال پیش نیز، برخی اعتراضات و نافرمانیهای مدنی در
دانشگاهها موج _____
تا آنها دارایی خود را از شرکتهای سرمایه‌گذاری فعال در آفریقای جنوبی خارج سازند و این
اقدام کمک _____
پایان آپارتاید در آفریقای جنوبی به شمار آمد.

2- بستر تاریخی

ممکن است براساس آن چه آمد، این تفکر ایجاد شود که مسأله نافرمانی مدنی
فقطاً طایفه‌ای را مطرأً شرح شده
است؛ که این را نمی‌توان پذیرفت. نمایشنامه‌نویسان یونان باستان در طرح پیچیدگیهای اخلاقی
نافرمانی مدنی نافرمانی مدنی
به راستی استاد بودند. «آنتیگونه» اثر سوفوکل تجلی‌گر توجه نمایشنامه‌نویسان یونانی است. اما
پیکر افراشته
سقراط نقطه آغاز بحثهای فلسفی در زمینه این موضوع است. سقراط نه تنها از مجازات مرگی
کشته آنتیگونه
تعیین کردند نگریخت، بلکه تا آخرین لحظه بر این عقیده اصرار ورزید که کشور مستحق
اطاعت است
محکومیت خود را با بردباری و حتی روحیه‌ای شاد پذیرفت. همه مردم از روش سقراط در
پذیرش اطاعت
پیروی نکرده‌اند. هنری دیوید توررو¹ و مهانداس کی. گاندی² تنها دو تن از شخصیت‌های
معروفی هستند که تند
واکنشی متفاوت را در قبال بی‌عدالتی برگزیدند. اختلاف بر سر مشروعیت اطاعت مدنی،
اختلافی طایفه‌ای، ولانی، مهاجرت
و هنوز حل نشده است.

لیبرالیسم و از جمله نوعی از آن که در این کتاب از آن دفاع شده است، بر
نافرمانی مدنی توجه بسیار
دارد. در مجموع، نکته اصلی نظریه لیبرال این است که در چهارچوب دقیق حاصل از مقررات
قضایی و احتیاطی
فرد، تصمیمات به شیوه‌ای دموکراتیک اتخاذ می‌شوند. دولت، به جای اعمال مفهومی خاص از
زنندگی مطالب و

یا ترویج شکل خاصی از اجتماع، چهارچوبی مناسب برای تصمیم‌گیری فراهم می‌کند. در برداشته‌ت م_____ از این_____ روندی دقیق
رویکرد، دموکراسی که مقید به نظریه حقوق طبیعی و اصول خاص قضایی است، روندی دقیق
ب_____ رای اعم_____ مال
حقوق و داور در مورد اختلافات فراهم می‌سازد. اما درست همان طور که بعضی وقتها
دادگاه_____ ای کیفی_____ ری
مجرمان را آزادمی‌گذارند و حتی بیگناهان را محکوم می‌کنند، دولتی که براساس روندی
عادلان_____ و از جمله_____ ه
انتخابات دموکراتیک، عمل می‌کند بعضی اوقات نتایجی ناعادلانه به بار می‌آورد. حال باید با در
نظ_____ ر_____ رفتن این_____ ن
برداشت با این پرسش مواجه شویم که اگر یک شهروند، قانونی را ناعادلانه بداند آیا باید قانون
را نق_____ ض و برابر_____ ر
بی‌عدالتی دولت زبان به اعتراض بگشاید یا نه؟

1. Henry David Thoreau

2. Mohandas K. Gandhi

3- ماهیت

موضوع را با طرح این پرسش آغاز می‌کنیم که نافرمانی مدنی چه تفاوتی با سایر انواع قانون‌شکنی دارد؛ [به عبارتی] نافرمانی مدنی چیست؟ عمل سرقت از بانک برای کسب منافع شخصی با افشای اطلاعات طب‌بندی شده به دلیل آن که عموم مردم بامخفی داشتن آن دچار خسارت می‌شوند ماهیتاً تفاوت دارد.

این نشان می‌دهد که نکتهٔ کلیدی برای تشخیص نافرمانی مدنی از قانون‌شکنی معمولی این است که نافرمانی مدنی ملا حظاتی اخلاقی است. فرد، قانون را به این علت می‌شکند که در برابر عملکرد دولتی اعتراض کند. می‌توانیم نافرمانی مدنی را "عمل نقض عمدی قانونی معتبر جهت اعتراض اخلاقی علیه دولتی" تعریف کنیم؛ می‌توان نافرمانی مدنی را به دلیل وجود تأکیدیاتی چون "عمدی"، "قانون معتبر" و "اعتراض اخلاقی" از سایر انواع قانون‌شکنی‌ها که به ظاهر به آن می‌مانند تشخیص داد. نخست، تشخیص نافرمانی مدنی از نقض تضاد و یا غیرعمدی قانون دارای اهمیت است. فرض کنید کسی به فرد شدیداً بیمار کمک کند و او را به بیمارستان برساند. حتی اگر رانندهٔ اتومبیل بداند که رانندگی اتومبیل که شماره‌گذاری نشده به بیمارستان برساند. حتی اگر رانندهٔ اتومبیل بداند که رانندهٔ اتومبیل بوده و می‌تواند برساند اتومبیلش را و او را به بیمارستان برساند. حتی اگر رانندهٔ اتومبیل بداند که رانندهٔ اتومبیل بوده و می‌تواند برساند اتومبیلش را و او را به بیمارستان برساند. حتی اگر رانندهٔ اتومبیل بداند که رانندهٔ اتومبیل بوده و می‌تواند برساند اتومبیلش را و او را به بیمارستان برساند. حتی اگر رانندهٔ اتومبیل بداند که رانندهٔ اتومبیل بوده و می‌تواند برساند اتومبیلش را و او را به بیمارستان برساند.

نمی‌کند. اگر قانون‌شکنی معادل نافرمانی مدنی باشد، قانون‌شکنی را به سادگی نمی‌توان
محصول جنبش‌های سیاسی یا تأثیر
ثانوی سایر اعمال دانست.

دوم آن که، نافرمانی مدنی باید از آزمون قانونی نیز تشخیص داده شود. آزمون قانونی
هنگامی رخ
می‌دهد که کسی با قانون مبارزه می‌کند تا دریابد واقعاً معتبر است یا نه. خط مشی آزمایشگر
قانون، وادار
ساختن دادگاه‌های عالی - برای مثال، دادگاه استیناف یا دیوان عالی - به اعتراف به نامعتبر بودن
یست. مغایرت
قانون مذکور با قانون اساسی است. اگر این خط مشی موفق باشد، قانون‌شکن واقعاً قانون را
نقض کرده است و
این، نافرمانی مدنی محسوب نمی‌شود. در واقع، اعتراض‌کننده مذکور با حذف قانونی نامعتبر،
خودمدت قانونی
ارزشمندی کرده است. اکثر فعالیتهای مربوط به حقوق مدنی در اواخر دهه 1950 و اوایل دهه
1960 اصلاً
نافرمانی مدنی محسوب نمی‌شدند. این اعمال آزمایش قانون بودند، نه قانون‌شکنی. خط مشی
این بود که
نشان داده شود قوانین تبعیضی و مقررات خاصی که موجب محدودیت رأی‌دهندگان و

انتخاب شغلی می‌شدند، براساس قانون اساسی، غیرقانونی محسوب می‌شوند و این بدان معنی
بود که _____ ه _____ قوانین
مذکور اصلاً قانون نبودند.

آزمایشگر قانون یکی از مشکلات احتمالی در تعریف نافرمانی مدنی را عرضه می‌کند.
مش _____ کل آزمایش _____ گر
مذکور، احتمال بروز خطا در کار اوست. دادگاه عالی ممکن است چنین نتیجه بگیرد که قانون
آزموده شده _____
معتبر است. در چنین مواردی، اعتراض‌کننده واقعاً قانون‌شکنی نکرده است، اما شکستن آن
قانون جز _____
نافرمانی مدنی محسوب نمی‌شود و نقض قانون عمدی نبوده است. البته این قانون‌شکن،
مجرم _____ می _____ ولی _____
نیست. شاید بهتر این باشد که چنین فردی را آزمایشگر ناموفق قانون بنامیم.

تفاوت بین آزمایشگر قانون و نافرمان مدنی صرفاً تفاوتی لفظی نیست. توجیه
کردن آزمایش _____
آسان‌تر از توجیه نافرمانی مدنی است. توجیه آزمایش قانون در محدوده خود سیستم، قانونی
است. _____
تنها با نشان دادن این موضوع که آن چه که تظاهر به قانونی بودن می‌کند واقعاً قانون نیست،
دست _____
تقلب می‌زند. حتی آزمایش‌کنندگان ناموفق قانون نیز به گونه‌ای قهرمان محسوب می‌شوند. آنها
بعضی _____
موضع‌گیری ناموفق خود با پیامدهای ناگواری مواجه می‌شوند. به نظر ما اشتباه است که مارتین
لوتر کینگ _____
نخستین نمونه از نافرمانی مدنی قلمداد کنیم. بلکه یکی از کم‌کهای بزرگ او به جامعه آمریکا
افشای _____ یاری از

فریبکارها بود. او نشان داد که بسیاری از مقررات که موجب اسارت مردم شده بود واقعاً قانون نبودند. از س_____ د. از س_____ وی دیگر، نافرمان مدنی به دلیل تعمد در نقض قانون معتبر، در زمینه توجیه کار خود با دش_____ واری بیش_____ تری رو ب_____ ه رو است. حداقل، اجباری ظاهری در اطاعت از قانون وجود دارد و نافرمان مدنی باید نشان دهد که _____ ای _____ ن اجب_____ ار ظاهری را نمی‌پذیرد.

در توصیفی که از نافرمانی مدنی شد، فرد نافرمان مدعی است که اجبار ظاهری در اطاعت_____ ت از ق_____ انون را نمی‌پذیرد، زیرا دولت، قانونی غیراخلاقی را تصویب کرده و یاسیاستی غیراخلاقی را پیگیری م_____ ی کند. ف_____ رد نافرمان مدنی قانون را می‌شکند تا اعتراض اخلاقی خود را اعلام کند. آیا چنین عملی واقعاً قابل توجیه است.

ب- توجیه نافرمانی مدنی

استدلالهای متعددی برای نشان دادن عدم ضرورت نقض قانون معتبر، به مثابه ابزاری جهت _____ ت ا_____ لام اعتراض اخلاقی علیه دولت، وجود دارد. یکی از استدلالهای مهم،

مبتنی بر وظیفه اخلاقی افراد در اطاعت از قانون است. به نظر می‌رسد که برخی از منتقدان نافرمانی مدنی معتقدند که اعتبار این وظیفه، خود صرفاً برای نشان دادن توجه‌ناپذیر بودن نافرمانی مدنی کافی است؛ البته این درست نیست. برای آن که چنین موضع‌گیری‌ای صحیح باشد، وظیفه اخلاقی افراد در اطاعت از قانون باید در حد اعلا‌ی خود باشد، یعنی هرگاه این وظیفه در تضاد با وظیفه اخلاقی دیگری قرار گرفت، اطاعت از قانون ارجح قلمداد شده باشد. یک نکته قابل پذیرش وجود دارد و آن این است که "انسان ناچار به اطاعت از قانون است" و این موضوع قیدی اساسی است. با این حال، تلاش برای تبدیل آن به یکی از اصول برتر اخلاق نیازی ندارد. استدلال‌های بیشتر است. نافرمان مدنی حداقل در جامعه‌ای آرام و دموکراتیک این اجبار اولیه را می‌پذیرد. اما معتقد است که در مواردی خاص، این وظیفه اجباری، به دلیل وجود اصول اخلاقی برتر از آن، قابل نقض است.

جای تأسف است که طرفداران برتری این اصل - یعنی این که "انسان ناچار به اطاعت از قانون است" - هیچ دلیلی برای موضع‌گیری خود عرضه نمی‌کنند. یکی از معانی ضمنی دیدگاه آنها این است که سایر اجبارها را تحت شعاع قرار می‌دهد. به مفهومی خاص، دولت برتر است. از سوی دیگر، همان طور که گفته ایم، اگر ادعاهای اخلاقی فرد در حدی برتر و عالی باشند، آن گاه کسانی که از برتری اصل

فوق‌دفاع می‌کنند در همان وهله نخست مغلوب می‌شوند. از آن جا که معتقدیم دولت باید حقوق افراد را اجرا یا حفظ کند، دولت، خدمتگزار افراد محسوب می‌شود. به علاوه، حتی وقتی دولت در حل اختلافات حقوقی بین افراد دارای اختیار است، این قدرت نامحدود نیست، بلکه اصول اخلاقی، اصولی که در تضاد با برتری اصل فوق‌انساند، موجب محدودیت آن می‌شوند. این اصل که "انسان ناچار به اطاعت از قانون است" فقط می‌تواند اجباری ظاهری داشته باشد زیرا قانون - اگر اطاعت پذیرفتنی و قابل توجیه باشد - باید با اصول اخلاق و عدالت هماهنگ باشد. این بدان معناست که نیست که همواره عدم اطاعت از قانونی ناعادلانه، عملی توجیه‌پذیر است زیرا یقیناً وظیفه‌های اولیه در هماهنگی با اصول دموکراسی وجود دارد. اما می‌توان از آن چنین استنباط کرد که اطاعت نکردن از قانونی ناعادلانه به جهت اعتراض به آن ضرورتاً نادرست نیست.

اما منتقد نافرمانی مدنی می‌تواند از نکته‌ای مهم استفاده کند. اگر این اصل که "انسان ناچار به اطاعت از قانون است" وظیفه و الزامی اخلاقی است و اگر الگوهای عمل

اخلاقی بر سایر انواع الگوهای عمل اولویت داشته باشند - یعنی اگر دیدگاه اخلاقی برتر باشد -
آن گاه تنها
ادعایی که اصل فوق را باطل می کند یک ادعای اخلاقی دیگر است. ادعاهای غیر اخلاقی
کارکردی نخواهند
داشت. آن چه که مسلم است این است که تنها پایه توجیه نافرمانی مدنی، توجیهی اخلاقی
است. آن چه که
منتقدان انجام ندادند نشان دادن این نکته است که توجیه اخلاقی غیر ممکن است.

استدلال دیگری که در مقابل نافرمانی مدنی مطرح می شود مبتنی بر نسخه دیگری از
اصل فاسق است
که در آن چنین آمده که: مردم ناچارند که به تعهد خود پایبند باشند. سقراط یکی از نظریات
اصولی این
موضع گیری را در «کریتو»¹ افلاطون عرضه کرده است. سقراط استدلالها را با شخصیت
بخشیدن به قوانین
عرضه می کند. این قوانین به ترتیب زیر از طرف آتینها حرف می زنند:

«با آن که تو را به دنیا آوردیم و پرورش دادیم و آموختیم و به تو و تمام همشهریانت
بنابه اختیار خود سهمی از تمام چیزهای خوب بخشیدیم، اما با اعطای این اجازه، آشکارا این
حکم را اعلام
می کنیم که هر آتینی اگر از ما راضی نیست مجاز است به انسانیت دست یابد و ساختار سیاسی
دولت و قوانین
خاص خود را اجرا کند. او می تواند این اختیار را به دست آورد و به هر جا که دلش می خواهد
برود. هرگز
شما که از ما و دولت راضی نیست می توانید به یکی از مستعمرات ما بروید و یا به سایر کشورها
مهاجرت کنید.
هیچ یک از قوانین، مانع و بازدارنده او از رفتن به جای دلخواه نیست و هیچ دارایی ای از او

ک _____ منخواه _____ شد _____ شد. از
سوی دیگر، اگر هر یک از شما در سرزمین خود بماند و دریابد که ما چگونه عدالت را برقرار
و س _____ اختارهای
عمومی را ایجاد کردیم، آن گاه با این عمل درمی یابیم که هر چه به او می گوییم به عهده
می گوی _____ شد _____ ما از _____ و
شهر ما راضی بوده اید. شما به طور قطع ما را برگزیده و در تمام فعالیتها تن ما را شهروند به
ش _____ ما آورده اید _____ شد و
این که در این جامعه فرزندان به بار آورده اید دلیلی عالی است که نشان می دهد که از شهر
ما راضی _____ هستید. _____ به
علاوه، اگر راه دیگری را برگزیده بودید، حتی ممکن بود زمانی حکم تبعید بگیرید؛ یعنی آن
گ _____ راه _____ را بن _____ به
دستور دولت می کردید که حال بدون آن در صدد انجام هستید. اما از آنجا که هم اکنون در
مقاب _____ مل _____ مرگ اظه _____ ار
بی اعتنایی کردید و در واقع همان طور که گفتید، مرگ را به تبعید ترجیح دادید، پس احترامی
ب _____ رای نظ _____ رات
قبلی خود و ما قایل نیستید. شما همانند پست ترین افراد رفتار می کنید و سعی دارید به
ج _____ ای _____ رای _____ داتی _____
در مقام عضوی از دولت ما در مورد آنها توافق کردید، بگیرید.»

1. Crito

استدلال سقراط به ترتیبی که از زبان قوانین ذکر شد به صورت زیر قابل تفسیر است:

- 1- شهروند در مقابل اطاعت از قوانین دولت، مزایای خاصی دریافت می‌کند.
 - 2- اگر شهروند احساس کند که قوانین دولت ناعادلانه است، می‌تواند با تبعیت از روندی خاص، دولت را از خطای خود آگاه کند.
 - 3- اگر شهروند معتقد است که قراردادش با دولت قراردادی نامطلوب است - بر مبنای مشورت، دولت را آگاه می‌کند. سقراط می‌گوید نمی‌برد و یا قوانین ناعادلانه‌اند - آزاد است تا هر زمان که بخواهد آن‌جا را ترک کند.
 - 4- بنابراین، شهروند با دولت قراردادی دارد که براساس آن در مقابل التزام یا تعهد به اطاعت، مزایایی دریافت می‌کند.
 - 5- این قرارداد در واقع تعهدی دوجانبه مابین دولت و شهروند است.
 - 6- همه باید به تعهد خود پایبند باشند.
 - 7- بنابراین، یا باید از قوانین دولت پیروی کرد و یا به جای دیگری رفت (یا اطاعت کن و یا برو).
- اجازه دهید بحث خود را در مورد این استدلال با نشان دادن موارد کاربرد و عدم کاربرد آن آغاز کنیم. نخست آن که نادرست بودن تحلیل قرارداد بین فرد و دولت اهمیتی نخواهد داشت. دوم آن که، اگر قرارداد مذکور براساس اجبار منعقد شده باشد و یا دارای بندهایی برای گریز نباشد این استدلال دوام نخواهد داشت. مردم در اصل خواستار ایجاد شرایطی آزاد برای این قرارداد هستیم. اغلب مردم اگر گرسنه باشند و دولت غذا و مسکن در اختیارشان بگذارد، از قوانین آن اطاعت می‌کنند و در واقع آزادیهای شخصی خود را نادیده

_____ می‌گیرند _____ د. _____ ک

قربانی سرقت مسلحانه را در نظر بگیرید که به سارق مسلح قول داده است تا در مورد این جرم

چیزی _____ زی _____ پلیس _____

نگوید. آن‌گاه فرض کنید که قربانی همه ماجرا را به اطلاع پلیس برساند و در نتیجه این

اقدام _____ س. _____ سارق دستگیر _____

شود. یقیناً سارق حق ندارد بگوید که اقدام قربانی به اعلام ماجرا از نظر اخلاقی توجیه‌پذیر

نیست _____ زی _____ را _____ ولی

شکسته شده است. قراردادی که بر اساس زور منعقد شده باشد اصلاً قرارداد نیست. به عبارت

دیگر _____ ر، _____ ر _____ پذیریم

که چون دولت امتیازاتی به فرد می‌دهد می‌تواند از آنها توقع اطاعت داشته باشد، آن‌گاه باید

معنا _____ ای _____ الف آن را

نیز گردن بنهیم. یعنی افرادی که امتیازی دریافت نداشته‌اند، حق دارند

نافرمانی کنند. سقراط تلاش می‌کند این راههای انتخابی را فراهم سازد. او راههای اعلام
اعتراض و نهایتاً
مهاجرت را نشان می‌دهد؛ در این تحلیل سعی کرده‌ایم تا ضرورت آن شرایط را خاطر نشان
کنیم.

این امر ما را به سوی سومین و آخرین نکته هدایت می‌کند. قرارداد مذکور
باید قراردادی اخلاقی
باشد. اگر اسمیت به جونز قول دهد که گرین را بکشد و به قول خود عمل نکند جونز
نمی‌تواند / اسمیت را به
دلیل نقض قرارداد بازداشت کند. به همین ترتیب، هر قراردادی که بین شهروند و دولت منعقد
می‌شود باید
ماهیتی اخلاقی برخوردار باشد تا قدرت اجرایی بیابد. انواع محدودیتهای موجود در قرارداد
بستگی به
نظریات اخلاقی افراد دارد. بنا به نظر ما، هر قراردادی اگر حقوق طبیعی شهروندان را
نادیده‌بگذرد و یا تضاد
حقوق افراد را به شیوه‌های ناعادلانه رفع کند، از نظر اخلاقی اجباری نیست.

به علاوه، اگر دولت مفاد قرارداد را اجرا نکند، شهروند نیز از اطاعت از قرارداد معاف
می‌شود. در
مجموع، هر قرارداد موجب ایجاد مسؤولیتها و تعهداتی برای طرفین می‌گردد. قصور تعدی هر
یک از طرفین در
اجرای تعهدات موجب سلب مسؤولیت اخلاقی طرف دیگر می‌شود.

حال اگر منتقدان نافرمانی مدنی به اصل "پابندی به قرارداد" متوسل شوند
می‌توان شرایط زیر را که
به طور خلاصه مطرح شده‌اند در نظر گرفت: 1- تحلیل قرارداد در مورد ارتباط بین فرد و دولت
باید بجا و مناسب

باشد؛ 2- نباید قرارداد مذکور براساس زور منعقد شده باشد و باید در آن بندهایی نیز برای
گرفتن از طرف دولت در صورت نقض قرارداد پیشبینی
گردد؛ 3- قرارداد مذکور باید از نظر اخلاقی قابل قبول باشد؛ و 4- دولت باید به تعهدات
قرارداد خود عمل کند.

ج- روش حل اختلاف

حال به بحث راجع به موضوعی پیچیده‌تر می‌پردازیم. اختلافات مربوط به
نقض قرارداد چگونه حل می‌شود؟ برای مثال، چه کسی باید مشخص کند که دولت به تعهدات خود عمل کرده است یا
نه؟ اگر قرارداد را از اسناد
مسئولان دولتی پاسخی نهایی این پرسش را بدهند، آن‌گاه شهروندان در خدمت دولت خواهند
بود. در این صورت، شهروند باید تسلیم باشد و هیچ حقی برای نافرمانی مدنی ندارد. دادن امکان برتری
به دولت در این زمینه بدین معنی است که استدلال معاضدت قرارداد با نافرمانی مدنی

استدلالی موفق است. البته می توان چنین استدلال کرد - همان طور که ما هم این کار را کردیم -
 ک_____ه نهایتاً
 شهروند است که مشخص می کند قرارداد نقض شده است یا نه. این موضوع با مخالفت جدی
 مخالف_____ان نافرمانی
 مدنی مواجه است. آنها براساس دواستدلال زیر با این امر مخالفت می ورزند: 1- از آن جا که
 نظ_____رات و اظه_____ارات
 تجویزی، اظهاراتی عینی و مبتنی بر واقعیت نیستند، شهروند، اساسی عینی برای قضاوت
 خود ندارد؛ 2_____ ایج_____اد
 امکان قضاوت در مورد قوانین دولت برای تمام شهروندان زمینه هرج و مرج فراهم می سازد.
 این_____ک ه_____ر_____ر_____ک از
 این استدلالها را به نوبت بررسی می کنیم.

استدلال شک گرای اخلاقی؛ ما پیش از این ادعا کرده ایم که حداقل یک اجبار
 اولی_____ه اخلاق_____ی ب_____رای
 اطاعت از قانون وجود دارد و این اجبار فقط تحت شعاع اجبار اخلاقی برتردیگری قرار
 نمی_____گی_____رد. ح_____ال منتق_____دان
 نافرمانی مدنی می توانند پرسند که این اجبارهای اخلاقی برتر چیستند؟ سنت، به وجدان فردی،
 معرف_____ت درون_____ی،
 قانون الهی و نفع عموم متوسل می شود که در این زمینه، تمام موارد فوق در عرصه تجربه
 بش_____ری ب_____ه
 صورت انفرادی - از دیدگاه شک گرایان - با شکست مواجه شده اند. وقتی بین وجدانها،
 بین مف_____هایم خداش_____ناختی
 و واژه خدا و بین مفاهیم مختلف نفع عموم اختلاف ایجاد شود، راهی برای حل این اختلافات
 ب_____نظ_____ر نم_____ر_____د، و
 در این صورت وجدان صادق افراد در تضاد با یکدیگرند. بنابراین، ادعا می شود که نافرمانان

مدنی هـ بیچ راهی بی بی رای
توجیه نافرمانی خود ندارند. این وضعیت در مورد دولتهای دموکراتیک از این نیز
دشوارتر می شود. اگر نتوان
برتری عقیده‌ای را بر عقیده‌ای دیگر توجیه کرد پس دلیلی برای پذیرش اعتقاد نافرمان مدنی به
جای اعتقاد
اکثر مردم وجود ندارد. حداقل، اکثریت از تعداد بیشتری برخوردار است و همه نیز باید از
قوانین دولتی پیروی
کنند.

این استدلال بسیار متداول بوده و پرسشهایی را در مورد اساس این کتاب مطرح کرده
است. آشکار
است که ما معتقدیم قضاوت‌های ارزشی را می‌توان توجیه کرد؛ اما برای طرح استدلال، این فرض
را می‌پذیریم که
اختلافات ارزشی واقعاً قابل حل نیستند. (با وجود این، انتقادات شک‌گرایان را در مقدمه
ملاحظه کنید) این
پذیرش باعث نمی‌شود تا نظر منتقدان نافرمانی مدنی تأیید شود.
اگر به طور مداوم اعتقادات شک‌گرایان اخلاقی را پی‌بگیریم، درمی‌یابیم هر آن چه که
در مورد
قضاوت‌های ارزشی راجع به نافرمانی مدنی صادق است در مورد مخالفان آن

نیز صدق می‌کند. اگر نتوان از قضاوت‌های اخلاقی دفاع کرد، نمی‌توان از این عقیده نیز "که اطاعت از قضاوت از قضاوت‌های اخلاقی دفاع کرد، نمی‌توان از این عقیده نیز" که ضروری است" به دفاع پرداخت. این نکته که عقاید و قضاوت‌های اخلاقی قابل دفاع نیستند ذاتاً متناسب با قضاوت است، بنابراین در مورد اطاعت از قانون، اجباری اخلاقی وجود دارد. این واقعیت که نافرمانی مدنی در دموکراسی نیکی نیست و وجود دارد کوچکترین تغییری در نتیجه حاصل نمی‌دهد. ممکن است نافرمان مدنی با مخالفان اکثریت قضاوت اخلاقی را جدی بگیریم، این اکثریت قادر نیستند برای وضوح رعایت اخلاق خود دلیلی بیاورند. اگر شک‌گرایی اخلاقی درست باشد ممکن است دلایل غیر اخلاقی دیگری برای اکثریت وجود داشته باشد. اما در صورت صحت شک‌گرایی اخلاقی، هیچ دلیلی اخلاقی برای تبعیت از اکثریت موجود نیست. بنابراین، استدلال شک‌گرایان اخلاقی علیه نافرمانی مدنی رد می‌شود.

نافرمانی مدنی و هرج و مرج؛ یکی از متداول‌ترین انتقادات در مورد نافرمانی مدنی این است که اقدام مذکور موجب ایجاد زمینه هرج و مرج می‌شود. در واقع برخی ادعا کرده‌اند که نافرمانان مدنی پیش‌فرض‌های آنارشیستی دست به استدلال زده‌اند. در این جا به برخی از نکات برجسته مقاله "نافرمانی مدنی" اشاره می‌شود:

«تنها اجباری که من در اجرای آن محقق هستم این است که در هر زمانی کاری را که درست می‌دانم انجام دهم هیچ کشوری هرگز به معنای واقعی آزاد نخواهد بود، مگر آنکه افراد

را ق_____درتی برت_____رو
مستقل تر بشمارد و قدرت و اختیار خود را ناشی از افراد بداند و هماهنگ با آنها رفتار کند در
واق_____ع م_____ن ب_____ه س_____بک
خودم، در سکوت، به کشور اعلام جنگ می‌کنم، هر چند باز هم تا جایی که بتوانم از آن
به_____ره ب_____رداری م_____ی ک_____نم و
سود می‌برم؛ این همان کاری است که در چنین مواردی متداول است.»

همین اصول آشکار آنارشیسم است که باعث می‌شود تا بسیاری از منتقدان از نافرمانی
م_____دنی اظه_____ار
بیزاری کنند، به علاوه، آنها چنین استدلال می‌کنند که در تمام نافرمانی‌های مدنی پیامدهای
آنارشیس_____تی آش_____کار
است. اگر شهروندان به دلیل اعتقاد به غیراخلاقی بودن قانون و یا به دلیل اعتقاد به این که
دول_____ت ق_____رار داد خ_____ود را
نقض کرده است از تبعیت قانون سرباز بزنند به رقابت با اختیارات دولت وارد شده‌اند. اما
اگر نافرمانی_____انی م_____دنی ق_____ادر
به تأثیرگذاری باشد، هر شهروند دیگری نیز مجاز به اجرای آن است و بدین ترتیب، دولت
تض_____عیف و آنارش_____ی
حاکم می‌شود.

ما معتقدیم که استدلال ناشی از آنارشیسم به دو دلیل اساسی ناموفق است. نخست آن
ک_____ه در کش_____وری
آرام که دموکراسی بر آن حاکم است، ضرورت نافرمانی مدنی به

سطحی نمی‌رسد که هرج و مرج حاکم شود. ممکن است بسیاری از شهروندان در مجموع چندین برداشتنی کنند که تصمیمات دولتی عادلانه است و بر اساس فرض که دولتها ضرورتاً مجریانی نامناسب برای عدالت هستند، اغلب شهروندان نیز با پذیرش گهگاه بی‌عدالتی موافق باشند. در اصل، راولز¹ چنین استدلال کرده است که کشوری آرام، احتمالاً از ثبات نیز برخوردار است و باید انحراف مشخص و محدود آن را از عدالت پذیرفت. در کشوری که به گونه‌ای معقول آرام است، استدلال آنارشی مبتنی بر مجموعه پیش‌فرضهای نادرست تجربی است. در کشوری ناآرام، از استدلال آنارشی به هیچ وجه نمی‌توان دفاع کرد؛ حتی به فرض این که کشور مذکور نادرست است.

دوم این که استدلال ناشی از آنارشی منعکس کننده سوء برداشتی اساسی در مورد نافرمانی مدنی است. ما موضعی را برمی‌گزینیم که چندین تن از نویسندگان معاصر در زمینه این موضوع آن را برگزیده‌اند. دیدگاه آنان، نافرمانی مدنی که صادقانه صورت گرفته باشد حافظ کشور است و به جای تضعیف دولت، قدرت می‌بخشد. از آنجا که این موضوع مهم‌ترین استدلال ما برای دفاع از نافرمانی مدنی است، وارد جزئیات آن می‌شویم. شیوه ما برای پاسخگویی به مخالفان نافرمانی مدنی این است که به آنان می‌دهیم که معقول‌ترین استدلال‌هایشان مبتنی بر سوء برداشت از عمل نافرمانی مدنی است.

د- نافرمانی مدنی، پشتیبان نهادهای دموکراتیک دولتی دموکراتیک که ملزم به رعایت اصول کلی و خاص عدالت است عمدتاً دولتی معتبری تلقی می‌شود، اما با وجود این، در اجرای وظیفه احقاق حقوق طبیعی شهروندان و حل اختلافهای ناشی از ادعاهای مربوط به این حقوق کارآیی ندارد. در چنین کشوری، اقدام به نافرمانی مدنی به طور گسترده‌ای رخ نمی‌دهد. وجود این، معتقدیم در کشوری که دستاورد عدالت در بهترین حالت خود نیز ناقص است، نافرمانی مدنی از جایگاهی اساسی برخوردار است. نخست آن که، نافرمانی مدنی فرصتی در اختیار شهروندان می‌گذارد تا هنگامی که نهادها و فعالیتهای کشور موجب نقض حقوق آنها شدند توجه شهروندان هم‌تراز خود

را به سوی خود جلب کنند. بنابراین نافرمانی مدنی وسیله‌ای برای جبران نارضایتیهاست؛ اما فواید مدنی نافرمانی مدنی تنها به فرد نافرمان نمی‌رسد، بلکه فواید چشمگیری نیز برای کشور و دولت دارد. ممکن است نافرمانی بتواند ناعدالانه بودن برخی از اعمال دولت را نشان دهد. بنابراین، نافرمانی عاملی برای تسریع در اصلاحات فراهم می‌سازد. به فرض آن که هدف دولت ایجاد عدالت باشد، فرد نافرمان که طی روندی مدنی موفق می‌شود، شهروندی خوبی را ایفا می‌کند. به دلیل چنین نافرمانی‌ای دولت ناگزیر از بازبینی سیاستهای خود می‌شود و برای همیشه در موقعیتهای فعالیتهای دولتی بی‌عدالتی را در پی می‌آورد گوش به زنگ و آگاه خواهد بود. کشوری که همواره با چنین نافرمانی‌هایی رو به روست به احتمال زیاد کشوری آرام و با ثبات است. همان طور که برای حاکمیت فعالیتها فعالیتها برای روشنگرانه باید بالگوهای فکری انعطاف‌ناپذیر مبارزه شود، برای رسیدن به آرمان عدالت نیز باید بالگوهای فکری انعطاف‌ناپذیر مبارزه شود، برای رسیدن به آرمان عدالت نیز دولتی غلبه کرد. براساس این مفهوم، دیدگاه ما در مورد نافرمانی مدنی آشکارا با نظر سقراط هماهنگ است. نافرمان مدنی دشمن کشور نیست، بلکه همان طور که سقراط می‌گوید، شهروندی خوب است :

«اگر مرا به قتل برسانید، به آسانی کسی را که بتواند جای مرا بگیرد پیدا نخواهید کرد. این نکته _____، حتی اگر کمی مسخره به نظر برسد واقعیتی مسلم است که خدا مرا بالاخص برای این شهر منصوب کرده است. گویی اسبی بزرگ و اصیل به دلیل بزرگی اندام زمینه‌تنبل شدن را داشته و تنها نیازمند تحریک خاص _____ از _____ حشره‌ای باشد. به نظر من خدامرا برای این شهر آفرید تا نقش آن حشره را ایفا کنم و من در تمام _____ روز در هیچ جا آرام نمی‌گیرم و پیوسته تمام شما را برمی‌انگیزانم، متقاعد می‌سازم و سرزنش می‌کنم. آقایی _____، شما _____ نمی‌توانید به آسانی کسی چون من بیایید.»

با وجود این، برای داشتن چنین دیدگاهی در مورد نافرمانی مدنی، برای آن که این عمل _____ قابل _____ توجیه _____ باشد باید در آن محدودیتهایی ایجاد کرد. اگر لازم است نافرمانی مدنی توجیه شود (1) باید عمومی شود؛ (2) باید عاری از خشونت شود؛ (3) باید در برابر مجازاتهایی که سیستم قانونی برای آن تعیین کرده تسلیم باشم؛ (4) و قانونی که نقض می‌شود باید مرتبط و یا عیناً همان سیاست یا قانونی باشد که علیه آن اعتراض شده است. هر _____ چه که این شرایط بیشتر نقض شود توجیه عمل نافرمانی مدنی دشوارتر می‌گردد. نقض سه شرط اول را به _____ هیچ وجه نمی‌توان توجیه کرد.

بنابراین، اگر نافرمانی مدنی برای جلب توجه عمومی به سوی یک بی‌عدالتی احتمالی طراحی شود، باید آشکارا و در میان عموم صورت گیرد. این آشکار بودن نشان می‌دهد که قانون‌شکنی فرد نافرمان مدنی، در واقع اقدام سیاسی شهروندی خوب است. از سویی دیگر، قانون‌شکنی مخفیانه برخلاف مصالح جامعه سیاسی است و ضد سیاسی قلمداد می‌شود، در چنین مواردی فرد خاطی قانون جامعه را می‌شکند و سعی می‌کند تا شناخته نشود. اگر چنین عملی عمومیت می‌یابد، دولت، دولت را از سر و کشور را تهدید می‌کند. تمایل به نقض آشکار قانون یکی از ویژگی‌هایی است که نافرمان مدنی را از سرشبهانه مشخص می‌سازد.

داشتن چنین دیدگاهی در مورد نافرمانی مدنی موجب می‌شود تا بتوانیم از ممنوعیت‌های خشونت دفاع کنیم. استدلال ما در این زمینه دوگانه است؛ نخست آن که می‌توان خشونت را حمله به دولت یا متقاعدسازی نیست بلکه اعمال زور است. دوم آن که خشونت موجب ترویج جدی بحث‌های عمومی و بازبینی سیاست‌های دولت نمی‌شود. خشونت موجب ترویج جدی بحث‌های عمومی و بازبینی سیاست‌های دولت نمی‌شود. خشونت می‌خواهد رواج خشونت‌های بیشتر گردد. نافرمان مدنی‌ای که خشونت به خرج دهد، احتمالاً پاسخی خشونت‌آمیز دریافت خواهد کرد. درگیری‌های خشونت‌آمیز مابین شهروندان کشور، هم موجب تضعیف نهاد

قانون و ه
تضعیف دولت می شود. جامعه‌خشن بهترین تجلی وضعیت طبیعی است که هابز¹ از آن یاد
می کند. در وضعیت طبیعی
طبیعی نه دولتی وجود دارد و نه قانونی. به عبارت دیگر، نافرمانی خشونت‌آمیز از قانونی خاص
موجب می شود که
امکان وجود دولت و ارزشمندی آن کاهش یابد. بنابه این دلایل، دولت می تواند نافرمانی
خشونت‌آمیز از قوانین
را حمله به خود تلقی کند.

ما بر این نکته تأکید می‌ورزیم که اگر نافرمان مدنی در صدد ایجاد محرک برای بازبینی
سیاسی
دولتی و هدف او نیز گسترش عدالت باشد و بدین ترتیب، عمل او گردد، خشونت مغلوب
می شود. به علاوه،
خشونت، ظالمانه و ناعادلانه است، زیرا حقوق دیگران را پایمال می‌کند و بحث‌های عقلانی
عمومی را ناممکن
می‌سازد. بدین ترتیب، ادعای نافرمانی مدنی به این که قانون شکنی اش از نظر اخلاقی برتر از
مجرمی
نقض می‌شود.

1. Hobbes

نکته مشابه دیگری وجود دارد که استدلال ما را در مورد توجیه‌پذیر بودن نافرمانی مدنی تأیید می‌کند و آن این است که فرد نافرمان باید آماده مجازات باشد. تمایل به پذیرش مجازات نشان می‌دهد که فرد به دولت و نه با سایر شهروندان نمی‌جنگد بلکه موقعیت خود را همچون فردی برابر با سایر شهروندان می‌بیند. نافرمان مدنی نشان می‌دهد که هیچ منفعتی را به صورت ناعادلانه دریافت نمی‌کند، یعنی بدون پرداخت هزینه‌ها از مزایای دولت و کشور بهره‌مند نمی‌شود.

سرانجام این که نافرمان مدنی باید معتقد به این موضوع باشد که بین قانون نقض شده و قوانین سیاستی که علیه آن اعتراض شده ارتباطی هست. افزایش حمله به قوانین یا سیاستهای ناعادلانه و گسسته‌ترش دامنه آن به سایر قوانین که هیچ ربطی به قوانین و سیاستهای نامطلوب ندارند حمله به خود دولت محسوب می‌شود. اگر دولت وظایف خود را به نحو مطلوب انجام دهد، اعتراضها بر قوانین یا سیاستهای ناعادلانه متمرکز می‌گردد. در اغلب موارد، اعتراض مذکور حمله‌ای گسترده به دولت نیست. در واقع، اگر حمله گسترده به قوانین و سیاستهای نامطلوب ناعادلانه باشد، سیاستمداران باید به توجیه‌پذیری نافرمانی مدنی توجه بیشتری داشته باشند؛ البته در برخی موارد، نافرمانی مدنی به آن حد از رذالت و پستی می‌رسد؛ سیاست‌نازیه‌ها در نابودسازی یهودیان نمونه‌ای از این امر است (آلمان نازی به هیچ وجه کشوری دموکراتیک نبوده و بحث ما به طور مستقیم ربطی به آن

ن _____ دارد.) ام _____ اقوانین و
سیاستهای ناعادلانه دولت را می توان بدون حمله به تمام قوانین و سیاستها، مورد اعتراض
ق _____ قرارداد. مح _____ دودیت
نافرمانی مدنی موجب می شود تا از اشتباه گرفتن این نوع نافرمانی با اشکال گسترده تر اعتراض
جل _____ وگیری ش _____ ود.
برای جلوگیری از این اشتباه، باید ارتباطی بین قانون نقض شده و قانون یا سیاست مورد
اعت _____ راض و ج _____ ود داش _____ ته
باشد. هرچه که این شرایط بیشتر نقض شود، توجیه کردن نافرمانی مذکور سخت تر خواهد شد.
همه فیلسوفان این قیده را نپذیرفته اند. *برایان بری*¹ نظریه پرداز سیاسی، در مخالفت با
موض _____ ع گی _____ ری
*جان راولز*² که مشابه موضع گیری است، گفته است :
«اساس مفهوم عالی نافرمانی مدنی که راولز به آن معتقد است شعار زیر است: «این موضوع به
م _____ ن بیش _____ تر آس _____ یب
می رساند تا به تو.» اعتراض کنندگان قانون را می شکنند، اما این کار را با چنان ظرافتی انجام
م _____ ی دهند _____ د ک _____ ه
موجب ناراحتی سایرین نمی شود.»

1. Brian Barry

2. John Rawls

اما چرا باید اصولاً قانون را نقض کرد؟ تا جایی که از شرح راولز می توان استنباط کرد،
هر _____ ری _____ ک از
اشکال عمومی آسیب رسانی به خود موجب می شود تا ناعادلانه بودن یک قانون بیش از پیش
پذیرفت _____ ه ش _____ ود:
خودسوزی در ملاء عام و یا سوزاندن لباسهایی تواند به اندازه قانون شکنی مؤثر باشد. نافرمانی
مدنی _____ ه ش _____ یوه
راولز یادآور دختر بچه شرور مجموعه داستانهای "Just William" است که در تمام موارد
تهدید _____ د م _____ ی ک _____ رد ک _____ ه
"اگر این کار را نکنی آنقدر جیغ می زنی تا مریض شوم".
اما ما این روش را کاملاً اشتباه می دانیم. محدوده نافرمانی مدنی نشانه ای است که برای
اثب _____ ات
توجیه پذیری قانون شکنی مورد بحث عرضه می شود؛ این محدودیتها شواهدی هستند که نشان
می دهند _____ د انگ _____ زه
قانون شکن انگیزه فردی اخلاقی است که هم شهریان خود را در مقام افرادی ذیحق و اعضای
براب _____ ر جامع _____ ه
سیاسی محترم می شمارد. می توان با پذیرفتن این مهدویتها، به کسانی که مدعی توجیه ناپذیر
بودن نافرمانی _____ انی
مدنی هستند پاسخ داد. نوع نافرمانی مدنی مورد نظر در این جا موجب ترویج هرج و
م _____ ر ج _____ ی ش _____ ود و ک _____ انی ک _____ ه
آن را به کار می برند نیز در مورد امنیت و اعتبار دیدگاههای اخلاقی خود ادعایی ندارند.
نافرمان _____ ان م _____ دنی تنه _____ ا در
صدد یافتن فرصتی برای مطرح کردن مسأله خود در خارج از مجاری متداول هستند و در مقابل
ای _____ ن امتی _____ از
هزینه ای خاص می پردازند.

نتیجه‌گیری

اگر نافرمانی مدنی را یکی از بخش‌های سازنده ساختار سیاسی بدانیم، دیگر لزومی ندارد که به‌رای مقابله با آن اقدام، دست به انعقاد قراردادی بزنیم. در واقع قرارداد آرمانی مربوط به این موضوع، باید شامل مفاد اساسی باشد که امکان نافرمانی مدنی را ایجاد کند و محدودیتهای اخلاقی آن نیز رعایت شود. ضرورت نافرمانی مدنی در کشور دموکراتیکی که عدالت را به طور کامل اجرا نمی‌کند نیز مورد قبول است. می‌توان با این تفاسیر کثیر که نافرمانی مدنی، کار شهروندان خوب است، زمینه را برای توجیه آن فراهم ساخت.

در این نوشتار نقش نافرمانی وجدانی در حکومت دموکراتیک بررسی گردیده است. ما بر این موضوع تأکید کرده‌ایم که نه تنها می‌توان بعضی وقتها این نافرمانی را توجیه کرد، بلکه این عامل در جامعه دموکراتیک نقش اخلاقی ارزشمندی را به عهده دارد. از آن جا

که روندهای دقیق لزوماً منجر به کسب نتایج دقیق نمی‌شوند. لازم است نتایج این روندها دائماً
بازبینی شوند. _____
نافرمانی مدنی با کمک به این نوع بازبینی‌های دائمی، باعث بهبودنظام سیاسی و قانونی‌ای
میشود که به _____
تعلق داریم.